

الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

غلامعلی سلیمانی

شیانسانامه، پژوهشی

■ عنوان تحقیق: الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

■ پژوهشکده: فرهنگ و مطالعات اجتماعی

■ گروه علمی: مطالعات انقلاب اسلامی

■ محقق: غلامعلی سلیمانی

■ موضوع اصلی: مطالعات انقلاب اسلامی

■ موضوع اصلی: الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



روزنامه فرهنگ و اندیشه
شماره ۳۹۴

الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

غلامعلی سلیمانی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: سلیمانی، غلامعلی.

عنوان و نام پدیدآور: الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران / غلامعلی سلیمانی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۹۲ص.

شابک: ۳-۳۱۴-۱۰۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: ایران-روابط خارجی-۱۳۵۸.

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ الف۸۲/س/ ۱۶۵۰ DSR

رده‌بندی دیویی: ۳۲۷/۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۷۱۱۸۶

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۵۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

حقوق محفوظ است

فهرست

پیشگفتار	۱۱
مقدمه	۱۵
۱. بیان مسئله	۱۵
۲. پرسش‌های فرعی تحقیق	۲۱
۳. فرضیه	۲۱
۴. پیشینه و ادبیات تحقیق	۲۳
۴-۱. آثار مرتبط با تصمیم‌گیری در سیاست خارجی	۲۳
۴-۲. آثار مرتبط با تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۳۲
۴-۲-۱. آثار مرتبط با ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۳۲
۴-۲-۲. آثار مرتبط با الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران	۳۷
۵. تعریف مفاهیم و اصطلاحات	۴۶
۵-۱. الگو	۴۶
۵-۲. سیاست خارجی	۴۷
۵-۳. تصمیم‌گیری	۴۷
۵-۴. تصمیم‌گیر	۴۸
۵-۵. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی	۴۹

۵۶. ساختار تصمیم‌گیری ۵۱
۵۷. فرایند تصمیم‌گیری ۵۲
۵۸. عوامل و منابع مؤثر بر تصمیم‌گیری ۵۲
۵۹. جهت‌گیری سیاست خارجی ۵۳
۶۰. هدف و ضرورت تحقیق ۵۳
۷. روش تحقیق ۵۵
۸. نوآوری تحقیق ۵۵
۹. ساختار تحقیق ۵۷

فصل دوم: مدل الگوهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ۵۹

- گفتار اول: الگوی عقلانی تصمیم‌گیری ۶۳
۱. فرض‌ها و پیش‌فرض‌های عقلانی تصمیم‌گیری ۶۷
۲. الگوی عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ۶۹
- گفتار دوم: الگوی عقلانی به مثابه یک رادایم ۷۳
۱. غلبه واقع‌گرایی بر جریان‌های اصلی، وابط بین‌الملل و سیاست خارجی ۷۵
۲. بسط تجربه تاریخی - فرهنگی غرب در وابط بین‌الملل ۸۲
۳. غلبه رهیافت مطالعاتی رفتارگرایی در علوم انسانی ۸۷
- گفتار سوم: الگوی عقلانی تصمیم‌گیری در بحران ۹۳
۱. انتقادهای روش‌شناختی ۹۴
- ۱-۱. محدودیت‌های محیطی و الگوی عقلانی تصمیم‌گیری ۹۴
- ۱-۱-۱. عدم دسترسی کامل به اطلاعات ۹۵
- ۱-۱-۲. نامشخص بودن اهداف ۹۶
- ۱-۱-۳. عدم امکان شناسایی تمامی بدیل‌های ممکن ۹۶
- ۱-۱-۴. نقش بحران‌ها و تنگناهای زمانی در تصمیم‌گیری ۹۷
۲. روان‌شناسی شناخت و الگوی عقلانی تصمیم‌گیری ۹۹
- ۱-۲-۱. تمایل انسان‌ها به ساده‌سازی و گریز از پیچیدگی ۱۰۳
- ۱-۲-۲. تمایل انسان‌ها به یکدست‌سازی اطلاعات و گریز از تناقض ۱۰۵
- ۱-۲-۳. ضعف انسان‌ها در ارزیابی احتمال‌ها ۱۰۸

- ۱-۳. علم عصب‌شناسی و الگوی عقلانی تصمیم‌گیری ۱۱۲
- ۱-۴. الگوی عقلانی و تلاش برای حل مشکل روش‌شناختی ۱۱۶
- ۱-۴-۱. مدل رضایت‌بخش ۱۱۶
- ۱-۴-۲. مدل فزاینده (افزایشی) ۱۲۰
۲. انتقادهای هستی‌شناختی ۱۲۵
- ۲-۱. قرائت منفعت‌جویانه از انگیزه‌های انسان ۱۲۵
- ۲-۲. روایت جهان‌شمول از عقلانیت ۱۲۸
- ۲-۳. میراث رفتارگرایی در تحلیل تصمیم‌گیری ۱۳۰
- ۲-۴. معنای دولت به عنوان عامل اصلی کنش و تصمیم‌گیری ۱۳۱
- گفتار چهارم: مدل جایگزین الگوی عقلانی تصمیم‌گیری ۱۳۵
۱. الگوی فرایند سالیمانی ۱۳۶
۲. الگوی سیاست‌های دیوانه ۱۴۱
۳. الگوی سبیرنتیکی تصمیم‌گیری ۱۴۷
۴. الگوی تصمیم‌گیری شهودی ۱۵۰
۵. الگوی تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی ۱۵۲
- نتیجه‌گیری و اشاره‌هایی برای الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۱۵۵

فصل دوم: الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

- ۱۶۱ ۱۶۱
- گفتار اول: تحلیل سیاست خارجی؛ رویکردی نوین در مطالعه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ۱۶۷
- گفتار دوم: ماهیت اسلامی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی ۱۷۳
- گفتار سوم: سطوح سه‌گانه و الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۱۸۳
۱. سطح تصمیم‌گیری؛ مصلحت به مثابه منطق اقدام و تصمیم‌گیری ۱۸۴

۲. سطح ساختاری؛ ساختار تصمیم‌گیری معرف فرایند و جایگاه عناصر تصمیم‌گیر..... ۱۹۵

۲-۱. جمهوری اسلامی ایران نظامی با مشروعیت الهی و مردمی..... ۱۹۸

۲-۲. جمهوری اسلامی ایران نظامی نیمه پارلمانی و نیمه ریاستی..... ۲۰۰

۲-۳. جمهوری اسلامی ایران دارای قوه مجریه دو ستونی و قوه مقننه دو رکنی..... ۲۰۲

۲-۴. نقش رهبری در ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۰۵

۲-۴-۱. اختیارات مستقیم رهبری در حوزه سیاست خارجی..... ۲۰۶

۲-۴-۱-۱. تعیین سیاست‌های کلی و نظارت بر حسن اجرای آن..... ۲۰۶

۲-۴-۱-۲. اعلان جنگ و صلح..... ۲۰۷

۲-۴-۱-۳. فرماندهی کل نیروهای مسلح و عزل و نصب فرماندهان..... ۲۰۷

۲-۴-۱-۴. تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی..... ۲۰۸

۲-۴-۱-۵. فرمان همه‌پرسی..... ۲۰۹

۲-۴-۲. اختیارات غیر مستقیم رهبری در حوزه سیاست خارجی..... ۲۰۹

۲-۴-۳. اختیارات حکم مت..... ۲۱۰

۲-۵. جایگاه وزارت امور خارجه در تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۱۱

۲-۶. دیپلماسی فرهنگی و بخش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سیاست

خارجی..... ۲۱۵

۲-۷. نقش شورای عالی امنیت ملی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۱۸

۲-۸. نقش قوه قضائیه در تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۲۰

۲-۹. نقش نیروهای مسلح در تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۲۰

۲-۱۰. نقش و رویکرد ساختار غیررسمی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی..... ۲۲۱

۳. جهت‌گیری تصمیم‌گیری سیاست خارجی وجه بیرونی الگوی تصمیم‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران..... ۲۲۵

۳-۱. نظام بین‌الملل و جهت‌گیری تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران..... ۲۳۸

۳-۲. جهت‌گیری تصمیم‌های سیاست خارجی و تشکیل بلوک جدید قدرت ضد

سلطه..... ۲۴۳

۳-۳. جهت‌گیری سیاست خارجی و نظام بین‌الملل مطلوب..... ۲۵۱

نتیجه‌گیری ۲۵۵

فصل سوم: آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران و بحثی درباره ضرورت‌ها ۲۵۹

گفتار اول: آسیب‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۲۶۳

۱. چندگانگی و تعدد در مراکز و نهادهای تصمیم‌گیری ۲۶۳

۲. میل به شخصی‌کردن تصمیم و نوسان‌ها در تصمیم‌گیری ۲۶۵

۳. عدم توجه به نقش مراکز فکری و پژوهشی در امر تصمیم‌گیری ۲۶۸

۴. ضعف در به‌روم‌پردازی و تئوری‌پردازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی

ایران ۲۷۱

۵. دوگانگی بین نافع ملی و صالح اسلامی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی ۲۷۳

گفتار دوم: ضرورت‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ۲۷۹

۱. ضرورت توجه ویژه به دیپلماسی فرهنگی در تصمیم‌های سیاست خارجی ۲۷۹

۲. لزوم تسریع در تصمیم‌گیری در دیپلماسی دیجیتال ۲۸۲

۳. لزوم توجه و عنایت به اسناد بالادستی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ۲۸۵

۴. لزوم توجه بیشتر به آینده‌نگری در تصمیم ۲۸۸

۵. ضرورت توجه به آموزش علمی و عملی تصمیم‌گیری و مدل‌سازی و

شبیه‌سازی ۲۹۱

فصل چهارم: مطالعه موردی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران؛ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ۲۹۵

گفتار اول: سیری در شروع و تداوم جنگ ۳۰۱

گفتار دوم: مصلحت و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ۳۰۷

گفتار سوم: ساختار تصمیم‌گیری و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ۳۲۱

۱. نقش رهبری در ساختار تصمیم‌گیری ۳۲۱

۲. عدم نهادینگی ساختار ۳۲۳

۲-۱. عدم استفاده کامل از ظرفیت نیروهای نظامی ۳۲۳

۲-۲. عدم هماهنگی بین جبهه و دستگاه دیپلماسی ۳۲۶

۱۰ ■ الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

گفتار چهارم: جهت‌گیری تصمیم‌گیری سیاست خارجی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸..... ۳۳۱

نتیجه‌گیری..... ۳۴۱

نتیجه‌گیری و ارائه یافته‌های تحقیق..... ۳۴۳

کتابنامه..... ۳۵۷

۱. فارسی..... ۳۵۷

۲. مقالات..... ۳۶۶

۳. انجمنی..... ۳۷۲

نمایه..... ۳۷۹

نمایه موضوعی..... ۳۸۷

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی شکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی به‌ویژه تعالیم متعالی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مترقی و نجات‌بخش آدمی، در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیانی و ارزش‌های اسلامی از سوی سبب‌بیداری و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌شکسته آنان شد و از دیگر سبب‌باعث نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مذاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها شد.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پردازی و نوآوری پیرامون زیرساخت‌های اندیشه‌ی دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث واقعه فکری، به فراخور شرایط کنونی و درخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی دین و تبیین و عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامت فکری اقشار تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی-پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی معزز و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد

۱۲ ■ الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

علمی-فکری حسب الامر و بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی
آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و با تلاش فراوان حجت‌الاسلام
والمسلمین علی اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳ تأسیس شد.

این پژوهشگاه دارای شخصیتی حقوقی، مستقل و در حکم نهاد عمومی و
غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و
پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری
دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

«پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی» که متشکل از پنج گروه
«فرهنگ پژوهی»، «مطالعات انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن»، «غرب‌شناسی» و
«ادبیات اسلامی» است، در راستای ساماندهی تأمل‌ها و کاوش‌ها در خصوص
تحولات فرهنگی و اجتماعی می‌کوشد زمینه تولید آثاری با جهت‌گیری انتقادی
و بومی را در مورد مسائل و مشکلات حوزه‌های یادشده فراهم سازد.
اهداف، رویکردها، روش‌ها و مطالعاتی گروه مطالعات انقلاب اسلامی
عبارت‌اند از:

۱. تبیین مبانی معرفتی، نظری و ریشه‌های انقلاب اسلامی (مبانی انقلاب اسلامی)؛
۲. تبیین، بررسی و نقد نظریه‌های انقلاب اسلامی و انقلاب اسلامی و روش‌شناسی‌های انقلاب و انقلاب اسلامی (نظریه‌ها و روش‌ها)؛
۳. پیشینه‌پژوهی، کنونه‌پژوهی و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران (فرآیندپژوهی انقلاب اسلامی در ایران و جمهوری اسلامی ایران)؛
۴. جامعه‌شناسی و جریان‌شناسی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران (گفت‌وگوها و شخصیت‌ها)؛
۵. مطالعه دستاوردها و چالش‌ها (آسیب‌شناسی و راهکارهایی)؛
۶. مطالعات محیط پیرامونی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران (محیط پیرامونی)؛

۷. رصد و نقد رفتار و عملکرد کارگزاران و ارأئه راهبردهای مناسب برای تحکیم، تداوم و تکامل انقلاب و نظام اسلامی (رصد و نقد).

نوشتار حاضر که نتیجه تلاش علمی محقق ارجمند جناب آقای غلامعلی سلیمانی عضو هیئت علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی است، به موضوع الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. از این محقق آثار مختلفی در زمینه سیاست خارجی و تحولات منطقه‌ای در فصلنامه سیاست خارجی و همایش‌های ملی و بین‌المللی و همچنین در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی احزاب در فصلنامه سیاست و فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است.

پژوهش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، محققان این حوزه را با پرسش اساسی مواجه می‌سازد که آیا می‌توان از رهیافت‌های موجود در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی بهره‌گرفت؟ پاسخ به این پرسش از چند منظر نیازمند تأمل بیشتری است. نخست اینکه نظام بین‌الملل موجود در نظر تاریخی و فرهنگی محصول غرب است؛ دوم اینکه از زمان تشکیل نخستین دولت‌ها و شکل‌گیری مکتب‌های وستفالی و حاکمیت حکومت‌ها و فیادلفیا، مردم به حاکمیت عامه مردم و به وجود آمدن مفاهیم نوپدید از جمله سیاست خارجی، منافع ملی و نظام بین‌الملل، سخن از سیاست خارجی دولتی با مبانی دینی و مصلحت‌گرا و دولت اسلامی به طور اخص به میان نیامده بود؛ به عبارت دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سیاست خارجی دولت دینی و در تعبیری «خوآتر اسلامی» را برای نخستین بار در عرصه نظریه‌های سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مطرح کرد و تغییرات اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود آورد. از طرف دیگر کاریست بسیاری از نظریه‌های موجود در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل بدون توجه به چنین تفاوت‌های بارزی در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با موفقیت چندانی همراه نبوده است. به نظر می‌رسد تبیین سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران با توجه به ویژگی‌های فوق، نیازمند توجه و پژوهش بیشتری برای شناخت ابعاد و زوایای مختلف آن است.

پژوهش حاضر با عنایت به چنین وضعی در تحقیقات سیاست خارجی، الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با عنایت به ماهیت و هویت اسلامی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده، و الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در سه سطح، تصمیم‌گیر سیاست خارجی و منطق اقدام و رفتار او، ساختار تصمیم‌گیری در معنای و ارزش‌ها، جایگاه عناصر تصمیم‌گیری و جهت‌گیری تصمیم‌های سیاست خارجی، به منزله خروجی و اقدام‌های عملی تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار داده است.

بر خود لازم می‌دانم از تلاش‌های علمی و ارزشمند محقق محترم قدردانی و تشکر نمایم. همچنین از شورای علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین علی وعلی، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن رحیمیان، دکتر محمد شفیعی‌فر، دکتر منوچهر محمدی، دکتر مظفر نامدار، دکتر علی دارابی، دکتر جلال دهقانی فیروزآبادی، دکتر محمود مهام، دکتر غلامعلی سلیمانی، محسن ردادی، میثم بیروانی و ارزیابان محترم این تحقیق، آقایان دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و دکتر رجب محمدی که با ارائه نظرهای ارزشمند خود بر غنای این اثر افزودند، کمال سپاس و امتنان را داریم. از سازمان محترم انتشارات که در آماده‌سازی و چاپ اثر، به گونه تلاش نمودند، سپاسگزاریم. در پایان امیدواریم نظرها و دیدگاه‌های خوانندگان عزیز و علاقه‌مندان، ما را در اصلاح و تکمیل این اثر و تولید آثار گرانسنگ دیگر یاری رسانند.

گروه مطالعات انقلاب اسلامی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

مقدمه

۱. بیان مسئله

برخی از متفکران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تصمیم‌گیری^۱ را نخستین گام برای شناخت پدیده‌های پیچیدگی‌های کنش در نظام بین‌الملل می‌دانند. کنشگری مستلزم وجود اراده‌ای است که از طرف واحدهای دارای درجات متفاوتی از یکپارچگی، سازماندهی و قدرت - که معمولاً دولت‌ها مؤثرترین نوع این واحدها هستند - به اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای آنها پردازند.^۲ مفهوم تصمیم‌گیری به طور تلویحی در برخی دیگر از مای قدیمی‌تر در مورد تاریخ دیپلماسی و مطالعه نهادهای سیاسی مطرح بوده است. البته بررسی نحوه اتخاذ تصمیم‌ها نخستین بار در حوزه‌های غیر از علم سیاست و موضوع تحقیق منظم و اصولی قرار گرفت. روان‌شناسان به انگیزه‌های شالوده‌ساز تصمیم‌های فرد و علت دشواری بودن تصمیم‌گیری برای برخی اشخاص و معاسره‌ها با دیگران، علاقه‌مندتر بودند. اقتصاددانان با توجه به تصمیم‌های تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و سایر نظریه‌پردازان مدیریت بازرگانی در پی تحلیل و افزایش کارایی تصمیم‌گیری اجرایی بودند. در حکومت و به‌ویژه برنامه‌ریزی دفاعی طی دهه ۱۹۶۰ در فرایند تصمیم‌گیری از فشنونی استفاده

1. Decision Making.

۲. کریستوفر هیل، ماهیت متحول سیاست خارجی، ص ۸۱

می‌شود که به‌طور کلی به هزینه و بهره‌وری معروفند.^۱

تصمیم‌گیری کانون توجه آن دسته از دانشمندان علم سیاست نیز بود که به تحلیل رفتار تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان، قانون‌گذاران، مقام‌های اجرایی، سیاست‌مداران، رهبران، گروه‌های ذی‌نفوذ و سایر بازیگران صحنه سیاست علاقه‌مند بودند. بخش مهمی از مطالعات صورت گرفته درباره تصمیم‌گیری نیز در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل صورت گرفته است. به‌کارگیری تصمیم‌گیری در نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. کارهای سارن^۲ و اسنایدر^۳ پی‌ریزی شد. بعدها نیز افرادی مانند جوزف فرانکل^۴ و گراهام تی آلن^۵ به این حلقه پیوستند.^۶

بنا به تعریف، تصمیم‌گیری صرفاً عمل گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت نداریم.^۷ اسنایدر محقق روابط بین‌الملل و تصمیم‌سازی در تعریف تصمیم‌گیری می‌نویسد: تصمیم‌گیری، اتخاذ یک مسیر عمل از میان شقوق موجود است.^۸

تصمیم‌گیری از جنبه‌های مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. بخشی از تحقیقات صورت گرفته در رابطه با تصمیم‌گیری به بررسی الگوها یا مدل‌های

۱. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، ص ۷۱۹.

2. Burton M. Stein.

3. H. W. Druck.

4. Herbert Simon.

5. Richard Carlton Snyder.

6. Joseph. Frankel.

7. Graham T. Allison.

۸. حسین ازجینی؛ «نظریه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، ص ۵۵.

۹. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف؛ «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، ص ۷۲.

۱۰. حسین بهزادی؛ «عوامل مؤثر در تعیین اهداف ملی در سیاست خارجی؛ تصمیم‌گیری در

سیاست خارجی»، ص ۲۴.

تصمیم‌گیری در سیاست خارجی پرداخته است. با توجه به تمایزی که کوینی رایت و جوزف فرانکل بین نظریه و مدل قائل هستند و مدل را جایگزین نظریه در حوزه روابط بین‌الملل با توجه به دست‌یافتنی‌تر بودن آن می‌دانند، به نظر می‌رسد مفهوم الگو و مدل، منطقی‌تر از نظریه است. در این معنا مدل نوعی ساده‌سازی واقعیت است که احتیاجی نیست از ماهیت دقیق نظریه برخوردار باشد، بلکه بر اساس اعتبار و مناسبتی که برای ما دارد، مورد قضاوت قرار می‌گیرد. از نظر آنها، هر نظریه مدعی درستی خویش و بطلان سایر نظریه‌هاست، حال آنکه مدل‌ها صرفاً شیوه‌ای مناسب برای بررسی مسائل از زاویه خاص می‌باشد.^۱

در ارتباط با تصمیم‌گیری، سیاست خارجی الگوهای مختلفی وجود دارد که از آنها با عنوان نظریه‌ها، مدل‌ها یا تصمیم‌گیری نیز یاد می‌شود. آلیسون نخستین کسی بود که از سه مدل زیر برای بررسی تصمیم‌گیری سیاست خارجی آمریکا و شوروی در قضیه بحران موشک که بهره‌گرفت و مبنای بسیاری از مطالعات در حوزه الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری شد. الگوهای مورد بررسی وی، ۱. الگوی بازیگر خردمند^۲ (الگوی عقلانی)، ۲. الگوی سازمانی^۳ و ۳. الگوی سیاست‌های دیوان‌سالاری یا حکومتی^۴ هستند. همچنین مدل‌های مختلفی از جمله مدل سیبرنتیک^۵ استاین برونر،^۶ مدل‌های شری^۷ و شهودی چندوجهی^۸ نیز در سال‌های بعد مورد توجه قرار گرفتند. در این میان الگوی عقلانی تصمیم‌گیری با قرائت سودمحور^۹ اینها معمول

۱. جوزف فرانکل؛ نظریه معاصر روابط بین‌الملل؛ ص ۳۸.

2. Rational actor.
3. Organizational Process.
4. Government Bargaining.
5. The Cybernetic Theory of Decision.
6. John D. Stein Bruner.
7. Intuitive Decision making.
8. Poliheuristic.

از انگیزه‌کنش‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای بازیگران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی، برای مدت‌ها رویکرد غالب در مطالعه الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی بوده است. در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل نیز به تعبیر میتز و دی‌روئن، بسیاری از تحلیل‌های علمی در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از مفروضات بازیگر عقلانی منبعث شده‌اند. از نظر آنها الگوی عقلانی همچون پارادایم رئالیستی، دولت‌ها را به مثابه بازیگران واحدی فرض می‌کند که به دنبال به حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن ضرر در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل است. آنها به درستی بر این باور هستند که مفروضات بازیگر عقلانی از مشخصه‌های اقتصاد خرد است و به همین ترتیب که تصمیم‌گیران شخصی در اقتصاد خواهان خرید کمتر، فروش بالا و به حداکثر رساندن ثروت‌اند، مدافعان ملی نیز شقی را برمی‌گزینند که به حداکثر سود می‌رساند، به دنبال اطلاعات جدید است و شبکه عریضی برای اخذ اطلاعات دارد و تصمیم را شخص یا گروهی کوچک می‌گیرند که به دنبال بهترین نتیجه هستند.^۱

به نظر می‌رسد عوامل مختلفی از جمله سلطه واقع‌گرایی بر جریان‌های اصلی روابط بین‌الملل، غلبه پوزیتیویسم و رفتارگرایی بر روش‌های مطالعاتی علوم انسانی و همچنین بسط تجربه تاریخی غرب به نظریه‌های روابط بین‌الملل در شکل‌گیری وضعیت پارادایمیک الگوی عقلانی تصمیم‌گیری نقش مؤثر داشته است. کم‌وبیش از اوایل دهه ۹۰، امکان طرح نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی که تأثیر هنجارها، سیستم باور، عوامل فرهنگی و ساختارهای اجتماعی-سیاسی بر رفتار دولت را مورد توجه قرار می‌دهد، با احتمال موفقیت بیشتری مورد توجه قرار گرفته است و حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی^۲ در دوران افول پوزیتیویسم، واقع‌گرایی و همچنین از رونق افتادن نظریه‌های ساختارگرایی توانست کمک مؤثری به تبیین سیاست

1. Alex Mintz and Karl DeRouen Jr; *Understanding Foreign Policy Decision Making*; p.8.

2. Foreign Policy Analysis.

خارجی و الگوی تصمیم‌گیری بازیگران خاص صورت دهد. این مسئله از تغییر جهت اساسی در مطالعات سنتی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی حکایت دارد.

انقلاب اسلامی که تقریباً یک دهه قبل از فروپاشی جنگ سرد در ایران به پیروزی رسیده بود، با تحقق جمهوری اسلامی، ماهیت متفاوتی به نظام سیاسی در ایران بخشید که آرمان‌ها، رویکردها و ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری آن به نحو چشمگیری متفاوت از نظام‌های سیاسی رایج در جریان تسلط ساختار دوقطبی جنگ سرد و همچنین نظم نوین جهانی تعریف‌شده پس از دوران جنگ سرد بود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر خاص علاوه بر اینکه از ماهیت و عدم سرد و بی تفاوتی برخوردار بود، با نظم تعریف‌شده دوره جنگ سرد و پس از آن نیز بی‌تابی نداشت و آن را به چالش کشید. به تعبیر مارک یورگنس مایر^۱ وقتی انقلاب اسلامی در ایران، سلطه‌گری و برتری فرهنگ غرب و سیاست سکولارش را در ۹۷ به چالش کشید، در دهه ۱۹۹۰ به مضمون غالب در سیاست بین‌الملل تبدیل شد. وی معتقد است نظم نوین جهانی که جایگزین قدرت‌های دوقطبی جنگ سرد می‌شود، با ظهور نیروهای اقتصادی جدید، فروپاشی امپراطورهای کهن و بی‌اعتدالی در نسیسم و با احیای هویت محلی مبتنی بر وفاداری‌های دینی و اخلاقی تعریف و ترسیم می‌شود.^۲

عوامل مختلفی از تولد جدیدی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، ظهور اعم در سطح نظام سیاسی و سیاست خارجی به طور اخص حکایت داشت. انقلاب اسلامی به تعبیر امام خمینی علیه السلام، یک انقلاب عادی نیست و به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب متکی نمی‌باشد. از این نظر ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد و با پیمودن صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه در مقابل هر دو

1. Mark Juergensmeyer.

۲. یورگن هابرماس، فرد دالمایر و دیگران: دین و روابط بین‌الملل؛ ص ۷۰-۷۱.

قطب ایستاده و از هیچ یک از قدرت‌های افسانه‌ای نه‌راسیده است،^۱ دو تحول بزرگ و بنیادی در روابط بین‌الملل شکل داد؛ نخست قرارگرفتن محوریت دین اسلام و فرهنگ در رویدادهای جهانی و دیگری استقرار یک نظام جمهوری اسلامی بر پایه الگوی ولایت فقیه و در نتیجه آغاز یک دوران جدید در سیاست خارجی^۲ که از نظر پروفیسور رمضانی ایران را قادر ساخت تا کنترل سرنوشت تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را برای نخستین بار از زمان افول قدرت ایران در نتیجه سقوط مفتح‌خانه امپراطوری صفویه در دست خود گیرد^۳ و با توجه به اینکه مفهوم سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و مفاهیم مرتبط با آن، ریشه و چارچوب غربی یعنی اروپایی و آمریکایی داشته است، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به صورت اعم و الگوی تصمیم‌گیری به طور خاص به عنوان امر جدید و متفاوت، نیازمند مفهوم‌پردازی و تبیین می‌باشد.

تردیدی نیست که ایران ضرورت باید با عطف به مؤلفه‌هایی همچون فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و نیز تعالیم دینی و همچنین اثر ماندگار ناشی از ظهور انقلاب پر دامنه اسلامی، ارزش‌ها و تجربه‌های خاص سیاسی و پیامدهای ژرف آن بر سیاست ایران و تئوریات متقابل متغیرهای جهانی و منطقه‌ای بر سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار گیرد.^۴ در کنار این حوزه سخت‌افزاری نظام سیاسی، ساختار سیاسی و تصمیم‌گیری، کنشگران و مقام‌های تصمیم‌گیر آن نیز حائز نقش و اهمیت فراوانی است. با عنایت به مباحث فوق، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست و به چه یهی است

۱. سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۱۹، ص ۵.

۲. حمید مولانا و منوچهر محمدی؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره احمدی‌نژاد؛ ص ۷.

۳. ر.ک: روح‌الله رمضانی؛ چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ترجمه علیرضا طیب.

۴. در این مورد، ر.ک: سیدجواد طاهایی؛ درآمدی بر مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.

این پرسش با توجه به حضور متغیرها و همچنین در نظر گرفتن سطوح مختلف تحلیل در سیاست خارجی و الگوی تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران، بیشتر بر لایه‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار ناظر می‌باشد.

۲. پرسش‌های فرعی تحقیق

- ۱-۱. الگوی الگوهای مطرح تصمیم‌گیری در سیاست خارجی کدامند؟
در ذیل این پرسش، سؤالات فرعی زیر قابل طرح است:
- ۱-۱-۲. الگوی عقلانی تصمیم‌گیری چیست و چرا در میان الگوهای مختلف تصمیم‌گیری، وضعیت پارادایمیک پیدا کرده است؟
- ۱-۲-۲. انتقادهای روش شناختی و هستی‌شناختی چه تحولی در الگوی عقلانی تصمیم‌گیری در پی داشته است؟
- ۱-۳-۲. مدل‌های جایگزین الحری عقلانی تصمیم‌گیری کدامند؟
- ۲-۲. حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی چه امکانی برای فهم و تبیین الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌کند؟
- ۲-۳. ماهیت نظام سیاسی در ایران از چه ویژگی متمایز و متفاوتی برخوردار است؟
- ۲-۴. آسیب‌ها و ضرورت‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

۳. فرضیه

به نظر می‌رسد با عنایت به حوزه مطالعاتی تحلیل سیاست خارجی، الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بیش از هر چیز در گرو شناخت ماهیت اسلامی نظام سیاسی است. با عنایت به ماهیت نظام سیاسی، جمهوری اسلامی ایران در جایگاه یک بازیگر خاص، الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سه لایه یا سطح اثرگذار یعنی لایه تصمیم‌گیر (منطق اقدام و رفتار تصمیم‌گیر سیاست خارجی)، لایه یا سطح

ساختار تصمیم‌گیری (شامل ساختار و ویژگی‌های ساختار تصمیم‌گیری) و همچنین لایه جهت‌گیری تصمیم‌های سیاست خارجی به منزله خروجی و اقدام‌های عملی تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است.

مدل نظری پژوهش: الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران



همچنین شناسایی آسیب‌ها و ضرورت‌ها نیز باید عطف به الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عناصر و مؤلفه‌های فوق صورت پذیرد. برخی از این آسیب‌ها و ضرورت‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- چندگانگی و تعدد در مراکز و نهادهای تصمیم‌گیری؛
- میل به شخصی‌کردن تصمیم و نوسان‌ها در تصمیم‌گیری؛
- دوگانگی بین منافع ملی و مصالح اسلامی در تصمیم‌گیری؛

- ضرورت آموزش علمی و عملی تصمیم‌گیری با مدل‌سازی و شبیه‌سازی (در مذاکرها و نهادهای بین‌المللی)؛
- ضرورت توجه به نقش مراکز فکری و پژوهشی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی آنها در امر تصمیم‌گیری.

۴. پیشینه و ادبیات تحقیق

تصمیم‌گیری از جنبه‌های مختلفی می‌تواند موضوع پژوهش قرار گیرد، امروزه با توجه به بینش‌های بودن تصمیم‌گیری، مباحث مربوط به شبکه‌های تصمیم‌گیری، اما ساختار مؤثر در تصمیم‌گیری و همچنین ویژگی‌های فردی رهبران سیاسی، رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد توجه قرار دارد. آثار مرتبط با موضوع این پژوهش را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد؛ دسته نخست آثاری را شامل می‌شود که به مباحث مختلف تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اختصاص دارند و به عنوان ادبیات نظری پژوهش، نیازمند بررسی و مطالعه هستند. در این پژوهش تلاش بر این بوده است تا به بررسی صرف آنها اکتفا نشود، بلکه در کنار آن، سیر تحول مطالعات تصمیم‌گیری و امکان بهره‌گیری از آنها برای تدوین الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد.

دسته دوم آثاری است که به دست محققان و استادان حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به رشته تحریر درآمده و از منظرهای مختلف به تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگریده‌اند. آثار موجود در این دسته عمدتاً به ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مربوط است. در ادامه به مهم‌ترین آثار موجود مطابق دسته‌بندی فوق اشاره می‌شود.

۴-۱. آثار مرتبط با تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

اثر کلاسیک گراهام آلیسون با عنوان «اساس تصمیم: تبیین بحران موشکی

کوبا،^۱ مهم‌ترین و نخستین اثر در تبیین الگوهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به شمار می‌رود و شیوه‌های تصمیم‌گیری دو نظام سیاسی مختلف آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی را در ارتباط با بحران موشکی کوبا مورد بررسی قرار داده است. اثر آلیسون از این منظر حائز اهمیت است که برای نخستین بار الگوهای مختلف تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را صورت‌بندی و همچنین مبنایی برای مباحث بعدی در ارتباط با الگوی تصمیم‌گیری سیاست خارجی فراهم کرد.

آلیسون از سه مدل و الگوی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نام برده است. الگوی نخست از نظر وی الگوی بازیگر خردمند می‌باشد که اشاره به کوشش برای رسیدن به سودهای بین‌المللی بر اساس هدف و محاسبه می‌باشد. این الگو بر این فرض است که سیاست‌گذاران در مورد دو بعد اساسی مطلوبیت و احتمال به محاسبه پرداخته و به فرض اینکه عقلایی باشند، سعی در بیشینه‌ساختن مطلوبیت مورد انتظار دارند. در این مدل بازیگران پس از مرور تمامی شق‌های ممکن و برآورد احتمالی نتیجه‌های آنها، به انتخاب سودمندترین آنها دست می‌زنند. الگوی دوم مورد نظر آلیسون نظریه یا الگوی سازمان‌هست که بر نقش روندها و رویه‌های سازمان‌های بزرگی که دولت را به وجود می‌آورند، در تصمیم‌گیری سیاست خارجی اشاره دارد. بر طبق الگوی روند سازمانی، تصمیمات حاصل بازده‌های سازمان‌های بزرگ برداشته می‌شود که بر طبق الگوهای منظم رفتاری عمل می‌کنند. الگوی سوم سیاست‌های حکومتی یا دیوان‌سالارانه است که بر روی سیاست‌های بازیگران فرضی که در رأس سازمان‌ها قرار دارند، تأکید دارد. طبق این الگو، حوادثی که در مورد تصمیم‌گیری در سیاست خارجی روی می‌دهد نه به عنوان انتخاب‌ها در نظر گرفته می‌شود و نه به عنوان بازده‌ها، بلکه آنچه روی می‌دهد، برآیند بازی‌های

کاسبکارانه گوناگون میان بازیگران درون حکومت ملی تلقی می‌شود.^۱
الگوهای سه‌گانه آلیسون را می‌توان به دو دسته عوامل و دست‌اندرکاران
تصمیم‌گیری و دوم منطق و معیار تصمیم‌گیری تقسیم‌بندی کرد.

دسته نخست الگوهایی را شامل می‌شود که بر نقش دست‌اندرکاران
تصمیم‌گیری، اعم از افراد و سازمان‌ها تأکید دارند. در این دسته‌بندی الگوی
روندها، سازمانی که بر نقش سازمان‌ها و الگوی سیاست‌های دیوانی که بر
نقش افراد و مقامات در تصمیم‌گیری توجه دارند، قرار دارند. به عبارت دیگر
آنچه در الگو، روندهای سازمانی و سیاست‌های دیوانی در ارتباط با
تصمیم‌گیری اهمیت دارد، موضوع عوامل و دست‌اندرکارانی است که در
تصمیم‌گیری سیاست خارجی نقش آفرینی می‌کنند. تحقیقات صورت گرفته در
ارتباط با ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی و نقش افراد اثرگذار در
چارچوب این الگوها مورد توجه قرار می‌گیرند.

در دسته دوم الگوی عقلانی تصمیم‌گیری قرار دارد که به دنبال تبیین منطق
کنش و تصمیم‌گیری است. به عبارت دیگر این الگو مدعی است می‌تواند
منطق و معیار تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را توضیح دهد؛ به این معنا که
از نظر این الگو افراد بر اساس محاسبه سود و زیان به انتخاب بهترین تصمیم
دست می‌زنند و انگیزه منفعت‌جویی محرک اصلی انسان‌ها در سطح خرد و
دولت‌ها به مثابه واحدهای سیاسی در سطح بین‌المللی را شکل می‌دهد. از نظر
این الگو، تصمیم‌گیر - اعم از فرد، گروه یا سازمان - در هر زمان و مکان بر
مبنای چنین منطقی به کنش و تصمیم‌گیری دست می‌زند. به این ترتیب الگوی
عقلانی مدعی تبیین جهان‌شمول از رفتار، کنش‌ها و تصمیم‌های بازیگران
سیاست خارجی است.

با توجه به این واقعیت که عوامل و دست‌اندرکاران تصمیم‌گیری در هر

۱. گراهام تی آلیسون؛ *شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*؛ تفسیری بر بحران موشکی کوبا؛

واحد سیاسی می‌توانند از همدیگر متفاوت و متمایز باشند، مدل عقلانی با توجه به خصلت سادگی در تبیین و قرائت جهان‌شمول به سرعت فراگیر شد و مسیر مطالعات مربوط به تصمیم‌گیری را شکل داد. تحقیقات مربوط به تصمیم‌گیری از این پس بیشتر در ارتباط با نقد الگوی عقلانی تصمیم‌گیری و ارائه مدل‌هایی به منظور برون‌رفت از مشکلات پیش روی آن صورت گرفته است.

هربرت سایمون به عنوان یک اقتصاددان با نقد الگوی عقلانی تصمیم‌گیری، به جای مفهوم کهن رفتار بیشینه‌سازانه یا بهینه‌سازانه،^۱ مفهوم رفتار بسند خوبی^۲ را می‌گذارد. در این‌گونه رفتار، فرض بر آن است که سیاست‌گذاران واقعاً در پیش روی خود تمامی بدیل‌های قابل دسترس، ارزش دلایل له و علیه موجود برای هر یک و ارزیابی احتمال‌های مربوط به پیامدهای مورد انتظار را به آنها نشان دهند؛ برعکس، سایمون بر آن است که واحدهای تصمیم‌گیری تنها تا زمانی که ارزیابی بدیل‌های مختلف ادامه می‌دهند که به بدیلی که از حداقل میزان قابل قبول بودن برخوردار باشد، دست یابند. به عبارت دیگر افراد تا زمان یافتن راه‌حلی که بتوانند آن را به عنوان راه‌حلی به حد کافی رضایت‌بخش عملی سازند به رد کردن اصل‌های غیررضایت‌بخش ادامه می‌دهند.^۳

جان استاین برونر در اثر خود با عنوان «نظریه سرنوشت تصمیم‌گیری»، به جای الگوی بازیگر خردمند، نظریه سیرنتیکی را به عنوان بدیل نظریه‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری پیشنهاد کرده است؛ چرا که به زعم وی «فالب نخست، تمامی پدیده‌های مشهود تصمیم‌گیری را تبیین نمی‌کند. او تردید دارد که در حالت عادی، انسان‌ها مطابق فرضیه انتخاب عقلانی برای تحلیل مسائل پیچیده از طریق شکستن آنها به تمامی اجزای منطقی‌شان تلاش کنند یا به تمامی

1. Optimizing Behavior.

2. Satisfying Behavior.

3. See: Herbert A Simon; *a Behavioral Model of Rational Choice*.

اطلاعات دسترسی داشته و تمامی محاسبه‌ها را به‌ویژه در رابطه با سبک و سنگین کردن ارزش‌ها انجام دهند.^۱ در مدل سبیرنتیک، تصمیم یک سیستم تصور می‌شود. در این مدل، سیستم تصمیم‌گیری در اولین گام با مسائل و مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد شد که به اتخاذ تصمیم مناسب نیاز خواهد داشت و این مسئله به درون حافظه سیستم انتقال خواهد یافت و در آنجا با وقایع و یادمان تاریخی سیستم شبیه‌سازی می‌شود و پس از آن، نحوه حل مسئله و استراتژی و راه‌حل آن ارائه خواهد شد و پس از طی این مرحله، تجربه دیگری در سیستم اضافه می‌شود و سیستم یاد خواهد گرفت چگونه در آینده با این قبیل مسائل روبه‌رو شود.^۲

آلکس میتز و کارل در رنر، در کتاب «فهم تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»^۳ به بررسی مدل‌های تصمیم‌گیری به‌ویژه مدل عقلانی تصمیم‌گیری پرداخته و جایگزین‌های مدل مذکور را نیز مورد بررسی قرار داده‌اند. این کتاب همچنین ضمن مطالعه مباحث مربوط به تصمیم‌گیری، قصد دارد نقش عوامل روان‌شناختی را در تصمیم‌گیری مطرح کند. به باور نویسندگان، رویکرد روان‌شناختی نه تنها توانایی توضیح نتایج تصمیم‌ها را دارد، بلکه همچنین به فرایندها و پیچیدگی‌هایی که به اخذ تصمیم و پویایی تصمیم منجر می‌شود اشاره می‌کند. به نظر نویسندگان، برخلاف مدل عقلانی، رویکرد روان‌شناختی به تصمیم‌گیری بر اعتبار فرایندها و همچنین میزان درستی نتایج‌ها اصرار دارد. علاوه بر این، رویکرد روان‌شناختی درباره جست‌وجوی اطلاعات، پردازش آن و همچنین پیش‌دآوری‌ها و اشتباه‌ها در تصمیم‌گیری بحث می‌کند. به نظر نویسندگان، مدل عقلانی از توصیف کامل چگونگی اخذ تصمیم‌هایی که تحت تأثیر پیش‌دآوری‌های شناختی هستند، عاجزند و برای فهم تصمیم‌گیری باید به این نکات پی ببریم که چگونه پردازش اطلاعات محدود می‌شود؟ چگونه

1. John Stein Bruner; *The cybernetic theory of Decision*; pp.47-69.

۲. فرهاد قاسمی؛ *دیپلماسی و روابط بین‌الملل*؛ ص ۵۲.

3. Understanding foreign policy decision making.

پیش‌داوری‌های متعدد، الگوهای جست‌وجوی اطلاعات، قواعد تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

مینتز و دی‌روئن با نقد الگوی عقلانی تصمیم‌گیری، بر این باورند عناصری از مدل‌های سیاست‌های بورکراتیک، سازمانی و عقلانی باید با هم ترکیب شوند تا بتوانند تصمیم‌ها را توضیح دهند. راه برون‌رفت آنها از ناتوانی‌های مدل عقلانی تصمیم‌گیری، الگوی شهودی چندوجهی است که از ترکیب سبب‌های شناختی و عقلانی فراهم می‌آید. این مدل یک فرایند دو مرحله‌ای تصمیم‌گیری است که در مرحله اول، تصمیم‌گیر آلترناتیوهای از پیش تعیین‌شده را با استفاده از میان‌برهای شناختی کاهش می‌دهد و در ادامه رویکرد عقلانی در مورد انتخاب آلترناتیوهای باقی‌مانده به کار گرفته می‌شود.^۱

چاپ مجدد کتاب «تصمیم‌گیری در سیاست خارجی» اثر مشترک ریچارد اسنایدر، برتون سبین و ادواردو براک در سال ۲۰۰۲ همراه با افزودن فصل جدیدی توسط والرئ هاس، باز شد. به آثار کلاسیک تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را دوباره فراهم کرد و به تغییر اساسی در مطالعه تصمیم‌گیری سیاست خارجی منجر شد. در چاپ مجدد این کتاب، تحولات بسیار زیادی در نظام بین‌الملل از جمله فروپاشی نظام دوقبلی، اتمام جنگ سرد رخ داده بود. چنین تحولاتی تأثیر چشمگیری در الگوهای مدل‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایجاد کرد که مهم‌ترین آن را می‌توان به شرح الگوی تصمیم‌گیری از دایره بسته تصمیم‌گیران و طرح آن در فضایی که بتواند جایگاه عناصر مختلف سیاست‌های داخلی، ساختار سیاسی و عوامل فرسنگی را در ارتباط با سیاست بین‌الملل مورد توجه قرار دهد.

اسنایدر و همکارانش در این کتاب به تأثیر مؤلفه‌هایی از قبیل انسان به مثابه مهم‌ترین عنصر تصمیم‌گیر، جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد تصمیم‌گیر،

1. See: Alex Mintz and Karl Deroen; *Understanding Foreign Policy Decision Making*.

بافت سازمانی که تصمیم‌ها در آن اتخاذ می‌شوند، شبکه ارتباطاتی (ساختار، فرایند و محتوا) مرتبط با تصمیم‌های در حال بررسی، موقعیت فرهنگی و انگاره‌های دخیل در اتخاذ تصمیم، توالی زمانی اتخاذ و تصحیح تصمیم‌ها بر اساس بازخورد دریافتی و هم‌آمیزی پویایی که در میان تمامی این عوامل شکل می‌گیرد اشاره کرده‌اند. هدف اسنایدر و همکاران از این کتاب، ضرورت توجه به نقش انسان تصمیم‌گیر در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل و پرهیز از رویکردهای ساختاری مرسوم در دوران جنگ سرد است. آنها معتقدند با تأکید بر تصمیم‌گیری به عنوان نکته کانونی، دولت را به مثابه انتزاع متافیزیکی دور انداخته و راهی برای سنجش واقعی عوامل تعیین‌کننده اقدام‌های مقاماتی که در جامعه سیاسی به کنسر می‌راندن پیدا کرده‌اند و متغیرهایی از جمله حوزه صلاحیت بازیگران درگیر، ارتباطات، جریان اطلاعات و انگیزه‌های بازیگران مختلف و برجسته را مورد بررسی قرار خواهند داد.^۱

اثر دیگر در این زمینه از آن جیمز روزنا^۲ می‌باشد. روزنا در کتاب «پیش‌تئوری‌ها و تئوری‌های سیاست خارجی» خود، محققان را به توسعه سیستماتیک آنچه ما امروزه آن را نظریه بازیگر خاص^۳ می‌نامیم، تشویق کرد. همان‌طور که روزنا آن را مطرح کرده است، برای شناسایی علل‌ها مشکل این نیست که به ردیابی تأثیر آنها پرداخت. برای فهم فرایندها، که بر رفتارهای خارجی تأثیر می‌گذارند، مشکل این نیست که توضیح دهیم چگونه و چرا آنها تحت شرایط معینی عمل می‌کنند و تحت شرایط عمل نمی‌کنند. برای توضیح اینکه سیاست خارجی به وسیله عوامل داخلی به علاوه عوامل خارجی شکل می‌گیرند، مشکل این نیست که بفهمیم چگونه این دو در هم آمیخته می‌شوند یا نشان دهیم شرایطی که تحت آن یکی بر دیگری غلبه پیدا می‌کند. تحلیل سیاست خارجی فاقد سیستم جامع از تصمیم‌های آزمون‌پذیر است. تحلیل

۱. ریچارد کالتن اسنایدر و دیگران: *تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*؛ ص ۳۰.

2. Rosenau.

3. Actor – Specific Theory.